

**در آثار تان جقدر سعی کرده‌اید از بیضایی وام بگیرید؟**  
وام گرفتن مستقیم شاید نه، اما تأثیر پذیری ناگزیر است. بیضایی بخشی از حافظه جمعی تئاتر ایران است. حتی اگر نخواهید، در شیوه نگاه، در سوسواس روی متن و در اهمیت دادن به اندیشه، رد پای او حضور دارد.

**آیا بیضایی قربانی شرایط شد یا آگاهانه خطر را پذیرفت؟**  
به نظر من بیضایی «رانده» نشد، بلکه «نتوانست بماند»، او نگفت من را بیرون کنید؛ بلکه شرایطی فراهم شد که دیگر امکان کار کردن نداشت. هیچ‌کس اجازه نمی‌داد کار کند. خودش و خانم شمسایی تصمیم گرفتند بروند، چون اینجا امکان ادامه مسیر وجود نداشت. این بسیار ناراحت کننده است، اما واقعیتی است که باید پذیرفت.

**اگر بیضایی اهل سازش بود، آیا امروز جایگاه متفاوتی داشت؟**  
شاید بله، اما دیگر بیضایی نبود. استقلال فکری او بخشی از هویت هنری‌اش بود. سازش، به قیمت از دست رفتن آن هویت تمام می‌شد.

**حذف تدریجی بیضایی از فضای رسمی، بیشتر نتیجه سیاست بود یا نتیجه استقلال فکری؟**  
این دو کاملاً به هم گره خورده‌اند. استقلال فکری در فضایی که سیاست تعیین کننده است، هزینه دارد و بیضایی این هزینه را پرداخت.

**صحبت پایانی؟**  
فقط می‌توانم بگویم حیف. حیف از نسلی که او را کمتر دید و حیف از فرهنگی که قدرش را در زمان حیاتش ندانست.



**پریزاد سیف**  
بازیگر و کارگردان تئاتر:

**درخت کهنی که قلب و ذهن آیندگان را ریشه‌دار کرد**

پریزاد سیف، بازیگر و کارگردان تئاتر، درباره استاد بهرام بیضایی، یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های فرهنگی و نمایشی ایران، می‌گوید: «آثار او دریایی از معرفت هستند و تأثیرش بر نسل‌های آینده همچنان ادامه دارد.» سیف در گفت‌وگو با روزنامه صبا از اولین مواجهه‌اش با بیضایی تا اهمیت نقش زن، زبان و اسطوره در آثارش و جایگاهی بی‌بدیل او در فرهنگ ایرانی سخن می‌گوید.

**اگر بخواهید بهرام بیضایی را در یک جمله توصیف کنید، آن جمله چیست؟**  
استاد بیضایی در نه یک جمله که در یک کلمه می‌گنجد: «فرهنگ» که در باره‌ی آن ساعت‌ها می‌توان گفت. هنر، تاریخ، فلسفه و تمامی علوم انسانی همه زیرمجموعه فرهنگ هستند.

**اولین مواجهه شما با آثار یا شخصیت استاد بیضایی چه زمانی بود؟**

یک صبح تابستانی سال ۱۳۷۰ در اتاق کوچکی بالای تالار سنگلج، استاد حمید سمندریان در آزمون عملی بازیگری از من پرسید: بیضایی را می‌شناسی؟ من گفتم نمایشنامه «مرگ یزدگرد» را خوانده‌ام. استاد سمندریان گفتند: از بهرام بیشتر بخوان. این خواندن از همان موقع شروع شد. بعدها از ایشان در کلاس‌های بازیگری و نمایشنامه‌نویسی آموختم و افتخار داشتم که استاد راهنمای پایان‌نامه عملی من در مقطع کارشناسی ارشد باشند و هم‌زمان در فیلم «سگ کشی» بازی کنم.

**به نظر شما مهم‌ترین ویژگی فکری بیضایی چیست که او را از دیگران متمایز می‌کند؟**

استاد بیضایی خودشان به یک اصل مهم اشاره می‌کنند: فهمیدن. در یکی از مصاحبه‌هایشان می‌گویند: «من در زندگی کاری نکردم به جز آنکه بفهمم.» و مگر کاری دشوارتر و هنرمندانه‌تر از فهمیدن و به اعماق درک رسیدن وجود دارد؟ این چنین است که آثار بیضایی دریایی از معرفت را در برابر شما قرار می‌دهد.

**بیضایی بیشتر یک متفکر است، یک نمایشنامه‌نویس یا یک تاریخ‌پژوه فرهنگ؟**  
بهرام بیضایی در درجه اول یک متفکر است.

**چرا «زن» در آثار بیضایی چنین نقش محوری و متفاوتی دارد؟**  
بنیاد هنر بر انسان و انسانیت و اصالت وجودی است. آقای بیضایی در آثارش به انسانی که به عنوان محور کائنات و اشرف مخلوقات شناخته شده می‌پردازد. چه زن و چه مرد. حال در سرزمینی هستیم که بنا به باورها و اعتقادات متعصبانه مدت زمان طولانی نقش زن‌ها در تاریخ و فرهنگ کمرنگ شده. بنابراین لازم است نقش و قدرت فراموش شده زنان در جامعه یادآوری شود. بیضایی استادانه با استناد به شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌های زنان ایرانی این کار مهم را انجام می‌دهد. من مدت‌هاست نسبت به جمله‌ی «پشت هر مرد موفق یک زن قوی ایستاده» حساسیت پیدا کرده‌ام. تاریخ ما نشان می‌دهد زنان ما همیشه در خط مقدم، شانه به شانه مردان ایستاده‌اند.

**زبان در آثار بیضایی چگونه تبدیل به ابزار قدرت و مقاومت می‌شود؟**

زبان در آثار بیضایی به اصل نقش خود برمی‌گردد. زبان از نقش ابزاری خود یعنی وسیله ارتباطی می‌گذرد و تعیین کننده هویت، اعتبار و احساسات تاریخی ما می‌شود. کلمات سلاح نویسنده هستند و بیضایی به بهترین شکل از این اسلحه برای دفاع و مقاومت استفاده می‌کند. او با زبان هویت و تاریخ و تمدن چند هزار ساله‌اش را صیقل می‌دهد و در معرض نمایش می‌گذارد. این چنین است که سره از ناسره جدا می‌شود و اصل از بدل.

**به نظر شما مهم‌ترین تأثیر بیضایی بر تئاتر و سینمای ایران چیست؟**

تأثیر ایشان در سینما و تئاتر کاملاً متفاوت است. همان‌طور که می‌دانیم، تئاتر (نه نمایش) در ایران عمر طولانی ندارد و هنری وارداتی به حساب می‌آید. استاد بهرام بیضایی یکی از اولین کسانی است که به پژوهش درباره‌ی نمایش در ایران می‌پردازد و ریشه‌های کهن این هنر را در ایران معرفی می‌کند و سعی می‌کند تشابهات و تفاوت‌ها را بین تئاتر جهان و نمایش ایران پیدا کند. هنوز که هنوز است کتاب نمایش در ایران کتاب مرجع و علمی نمایشی است. طبقه‌بندی و مکتوب کردن تاریخ هر آنچه که نمایش و نمایشواره هست. تأثیر بزرگ دیگرشان نوشتن متن‌های نمایشی با موضوعات کهن ایرانی در قالب و ساختار جهانی نمایشنامه‌نویسی است. استاد بیضایی نقش بسیار مهمی در علمی کردن تئاتر ایرانی دارد. در تئاتر آنچه قبل از هر چیزی اهمیت دارد متن نمایشی است و بیضایی در این باره یکه‌تاز عرصه‌ی نمایشنامه‌نویسی است.

در سینما هم ایشان همین راه را کم و بیش ادامه می‌دهند و جزو موج نوی سینمای ایران در مقابل فیلم فارسی قرار می‌گیرند. دغدغه‌ی بیضایی چه در ادبیات و چه در سینما، فرهنگ ایرانی است.

**آیا می‌توان گفت بیضایی هنوز هم بر نسل جدید هنرمندان تأثیر دارد؟**

این سوال را با سوال دیگری جواب می‌دهم: به نظر شما فردوسی بر نسل‌های آینده تأثیر می‌گذارد؟ یا حافظ؟ یا هدایت؟ یا نیما؟ اگر این بزرگان تأثیرگذارند، بهرام بیضایی هم هست. بیضایی در آثارش دست به تحلیل و نمایش خصائل انسانی می‌زند. تا زمانی که انسان بر این کره خاکی هست، این خصلت‌ها هم هستند و در نتیجه، فردوسی هست، شکسپیر هست، هدایت هست و بیضایی.

**اگر بیضایی در ایران می‌ماند، مسیر تئاتر و سینما چه تغییری می‌کرد؟**

جواب دادن به این سوال برای من همراه با رنجی جانکاه است. اگر بیضایی در ایران بود (اگر سمندریان تئاتر کار می‌کرد) اگر تقوایی اجازه فیلم ساختن داشت اگر هدایت، اگر سعدی) ما مردمی هستیم که با این «اگر»‌ها، رویا بافتیم و دق کردیم.

**چرا آثار بیضایی هم ستایش می‌شوند و هم دشوار تلقی می‌شوند؟**

آثار بیضایی دشوار نیستند. آثار بیضایی از عمق آگاهی و درک نشأت می‌گیرند. کلی رنج و ممارست در پس هر جمله نهان است. برای همین زیبا و قابل ستایش‌اند و با شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری می‌کنیم. اصولاً زیبایی، هنر و حقیقت دشوار و سخت هستند.

**نسبت بیضایی با قدرت، سانسور و زمانه‌اش را چطور می‌بینید؟**  
بهرام بیضایی نماد قدرت و پایداری است. قدرت به معنای نیکویش. بهرام بیضایی رهروی زمانه است و این راه را برای سالکان آینده هموار کرده. بیضایی درخت کهنی است که در قلب و ذهن آیندگان ریشه دوانیده و قلب را که نمی‌شود سانسور کرد.



**فرزین محدث**  
بازیگر تئاتر و سینما:

**سال‌ها بعد تازه افسوس خواهیم خورد**

فرزین محدث، بازیگر تئاتر و سینما، در گفت‌وگو با صبا از نقش بی‌بدیل زنده‌یاد بهرام بیضایی در تئاتر و سینما سخن گفت. او تأکید کرد که استاد بیضایی نه تنها کارگردان و نویسنده‌ی نابغه بود، بلکه بازیگر را به سطحی فراتر از اجرای نقش می‌رساند؛ جایی که بدن و زبان بازیگر خود به راوی تاریخ، اسطوره و فرهنگ ایرانی بدل می‌شد.

**در ابتدا نظرتان را درباره آثار و روش کار زنده‌یاد استاد بیضایی بگویید.**

آثار و روش کار استاد بهرام بیضایی، از دید من به عنوان یک دانشجوی تئاتر و فردی که پیگیر تجربه‌های نو در تئاتر بوده و هنوز هم به عنوان بازیگر در تلاش برای تجربه جدید است، نشان‌دهنده یک مرز و بوم بی‌نظیر در هنرهای نمایشی ایران است. شاید بتوان با قاطعیت گفت که دیگر مثل بهرام بیضایی در هنرهای نمایشی ایران شکل نخواهد گرفت. مرگ ایشان، تا همیشه تاریخ که نام ایران در فرهنگ و هنر و نمایش این سرزمین بماند، یک جایگاه ویژه دارد. می‌توان او را هم‌رده حکیم ابوالقاسم فردوسی دانست؛ همان‌طور که فردوسی در قرون گذشته به حفظ و زنده نگه داشتن زبان و ادبیات فارسی پرداخت، بهرام بیضایی نیز در عصر خود، با شیفتگی و عشق به ادبیات و نمایش ایرانی، آثار و روش‌هایی خلق کرد که بی‌بدیل هستند. پنج دی ماه، روز میلاد ایشان و روز عروج ایشان، نقطه‌ای دردناک و به‌یادماندنی در تاریخ ادبیات نمایشی ایران است و امید است که روزی از سوی مسئولان فرهنگی به عنوان روز ادبیات نمایشی ایران ثبت شود. شیوه‌ها و روش‌های نمایشی او کاملاً مبتنی بر اصول نمایش ایرانی بود و نگاه مدرن و تجربه‌محور، آن را به اجرا می‌رساند. چه در متن، چه در کارگردانی و چه در بازیگری، هیچ‌کس دیگر به شکل او این ترکیب دانش، عشق و مدرن‌سازی نمایش ایرانی را ارائه نکرد. به یاد دارم در دوره دانشجویی اجرای «کارنامه» بندار بیدخش را با بازی درخشان مرحوم پرویز پورحسینی و استاد مهدی هاشمی دیدم؛ اجرای آن برای سال ۷۷ یک تجربه شگفت‌انگیز بود و هنوز هم درخشانی و تازگی خود را حفظ کرده است. حتی اجراهای بعدی ایشان در خارج از ایران، پس از مهاجرت، با هم همان ویژگی‌های نمایش ایرانی مدرن و به‌روز شده را داشتند.

**بازیگر در آثار بیضایی چه نقشی فراتر از اجرای کاراکتر دارد؟**

در نمایش‌های استاد بیضایی، نقش بازیگر به مراتب فراتر از اجرای نقش ساده است. بازیگر در آثار او نه تنها نقشی را بازی می‌کند، بلکه خود نیز به عنوان روایتگر عمل می‌کند. لحظه‌ای که بازیگر نقش است و لحظه‌ای که خود بازیگر است، همراه با عقلائی، تکنیک و عواطف، همه با ویژگی‌های بدنی خاصی که برگرفته از نمایش‌های ایرانی است، ترکیب می‌شوند. تصویرسازی بدنی بر اساس متن، ایده اجرایی و فرمت نمایش، الگوبرداری از نقاشی‌ها و تندیس‌های ایران باستان و هنر ایرانی است. برای اجرای صحیح نقش، بازیگر باید مروری بر تمام تصویرسازی‌های ایرانی، از گذشته‌های دور تا امروز داشته باشد، آن‌ها را بشناسد و درک کند تا بتواند نقش را درست روایتگری کند. بازیگر نه تنها باید نقش را اجرا کند، بلکه باید تاریخ، اسطوره و هنر ایرانی را از طریق بدن و حضور خود بازتاب دهد و این یکی از ویژگی‌های بی‌بدیل بازیگری در آثار استاد بیضایی است. استاد بیضایی آثار و روش کار ایشان را می‌توان به صراحت با حکیم ابوالقاسم فردوسی مقایسه کرد؛ همان‌طور که فردوسی

حافظ زبان و ادبیات فارسی بود، بهرام بیضایی عاشق ادبیات نمایشی ایران بود و آن را با شیوه‌های مدرن و با دانش و تحقیق به اجرا درآورد. هیچ‌کس دیگر در تاریخ نمایش ایرانی چنین شیفتگی و نوآوری‌ای را با این کیفیت نشان نداده است.

**چرا زبان در آثار بیضایی چنین نقش محوری دارد؟**

زبان در آثار استاد بیضایی نقش مرکزی دارد چون او با متن به عنوان ابزاری برای پژوهش، تصویرسازی و بازتابی تاریخ و اسطوره برخورد می‌کرد. هر کلمه در متن او دقت و معنا داشت و بازیگر باید این دقت و عمق را بازتاب می‌داد. زبان در آثار او صرفاً ابزار دیالوگ نیست، بلکه وسیله‌ای برای روایت تاریخ، اسطوره و فرهنگ ایرانی است.

**بدن بازیگر در تئاتر بیضایی چه کارکردی فراتر از بازیگری معمول داشت؟**

بدن بازیگر در آثار بیضایی به شکل زنده و فعال روایتگر تاریخ و اسطوره بود. بازیگر باید هر حرکت و ژست خود را بر اساس تصویرسازی تاریخی، نقاشی‌ها و تندیس‌های ایران باستان شکل می‌داد. هر حرکت بدنی یک مفهوم و یک روایت مستقل داشت و بازیگر با بدن خود به یک نماد اسطوره‌ای تبدیل می‌شد.

**آیا می‌توان گفت بیضایی بازیگر را به «راوی تاریخ» تبدیل می‌کرد؟**

قطعاً. استاد بیضایی خود راوی تاریخ بود و بازیگر با ایفای نقش نزد او، تبدیل به ابزاری برای روایت تاریخ می‌شد. بازیگر نه تنها کاراکتر را بازی می‌کرد، بلکه عواطف، روان و بدن خود را به بازتابی تاریخ هفت هزار ساله ایران اختصاص می‌داد.

**به نظر تان نسبت آیین، اسطوره و سیاست در صحنه‌های بیضایی چگونه شکل می‌گرفت؟**

در آثار استاد بیضایی، آیین، اسطوره و سیاست با هم تلفیق می‌شدند. هر اثر او بر اساس دانش عمیق از فرهنگ، دین و آیین ایرانی ساخته می‌شد و بازیگر و متن با هم، فضایی خلق می‌کردند که مخاطب را در جریان تاریخ و اسطوره فرو می‌برد.

**زمانه امروز ایران چقدر با جهان فکری بیضایی فاصله دارد؟**

استاد بیضایی جلوتر از زمانه امروز ایران بود، حتی از همان زمانی که شروع به نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی کرد. به نظرم سالیان بعد خواهیم فهمید و افسوس خواهیم خورد، مثل اتفاقی که در دوره فردوسی افتاد؛ فردوسی جلوتر از زمان خودش بود و اکنون پس از قرن‌ها درباره او صحبت می‌کنیم. سالیان بعد هم درباره بهرام بیضایی حرف خواهیم زد و افسوس خواهیم خورد که چه گوهری را از دست دادیم.

**به نظر تان چرا برخی بازیگران پس از کار با بیضایی دیگر به جریان غالب سینما بازنگشتند؟**

بازیگران پس از تجربه همکاری با استاد بیضایی، به سطحی از بازیگری و تصویرسازی بدنی رسیدند که در جریان غالب سینما کمتر امکان تجربه آن وجود داشت. تجربه‌ای که آن‌ها به دست آوردند، با استانداردهای رایج سینما سازگار نبود و باعث شد برخی دیگر بازنگردند.

**مهاجرت بیضایی را باید شکست دانست یا تداوم مسیر فکری او؟**

مهاجرت او بیشتر شکست فرهنگی برای ایران بود. او همچنان خلق می‌کرد و کار می‌کرد، اما در ایران محدود شد و جامعه ما از دسترسی به آثارش محروم شد. این حسرت و افسوس برای ما است، نه برای خود او.

**چرا سیستم فرهنگی ما با هنرمندان مستقل مسئله دارد؟ سهم نهادهای فرهنگی در تنها ماندن بیضایی چقدر بود؟**

سیستم فرهنگی و نهادهای مسئول بیشتر سد بازدارنده بودند تا کمک‌کننده. به جای تسهیل مسیر خلق آثار، محدودیت و مانع ایجاد کردند. هنرمندان مستقل مثل بیضایی وقتی آزادی عمل نداشتند، مجبور به مهاجرت شدند. این محدودیت‌ها خسارت بزرگی به فرهنگ ایران وارد کرد.

**صحبت پایانی**

استاد بیضایی نه تنها هنرمند، بلکه راوی تاریخ، پژوهشگر و عاشق فرهنگ ایران بود. آثار او مدرن، علمی و عمیق هستند و هنوز پس از سال‌ها تازگی و اصالت خود را حفظ کرده‌اند. فقدان او جبران‌ناپذیر است و سال‌های آینده بهتر خواهیم فهمید که چه گوهری از دست دادیم.